

www.kandooch.com

انقلاب اسلامی

www.kandooch.com

و

جهانی سازی اسلام

www.kandooch.com

www.kandooch.com

www.kandooch.com

مقدمه :

انقلاب اسلامی ایران تنها برای بهبود وضع معاش مردم شکل نگرفت، بلکه فراتر از این، یک ماهیت ارزشی و دینی دارد و از اینرو، اساسی ترین وصف انقلاب ایران، اسلامی بودن آن است، در این نوشتار، به راه های جهانی سازی انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن اسلامی اشاره خواهیم داشت.

انقلاب دینی نمودار تفکر معنوی دستاوردهای انقلاب در زمینه های گوناگونی قابل پژوهش و بررسی است. اما با توجه به ماهیت دینی انقلاب اسلامی، آثار تربیتی و فکری آن بیش از همه اهمیت پیدا می کند. اگر انقلاب اسلامی فقط موجب ارتقای وضع معاش مردم شده و نوع حکومت را از دیکتاتوری به نوعی دیگر که قابل تحمل تر باشد تغییر می داد، چندان نمی شد روی کامیابی آن اصرار ورزید؛ زیرا از انقلابی که وصف لازم آن اسلامی است انتظاراتی فراتر از این می رود.

راههای جهانی سازی اسلام:

انقلاب اسلامی ایران، پدیده ای بی همتا بود که از پیش، تحلیلی برای آن وجود نداشت و حتی مبانی و مقدمات شناخت آن از اندیشه های جدید، غایب بود. البته کسانی مثل «آرنولد توین بی» (۱) به جایگاه معنویت در حیات و تمدن بشری نیم نگاهی انداخته و تهی شدن از معنویت را موجب زوال آن می دانستند و معتقد بودند تمدن آینده از جایی غیر از غرب باید سربرآورد. اما این مختصر، برای انقلابی عظیم با آثار سرشار و جاری بسیارش، به هیچ وجه کافی نبود.

این انقلاب، با بازگشت به حقایق فراموش شده فطری، دین را در منظر اندیشه بشری پررنگ و برجسته کرد و در دو سطح ملی و جهانی چاره ای باقی نگذاشت، مگر این که رویکردی نوین به دین، معنویت، انسان و جهان پدید آید.

انقلاب اسلامی در حقیقت نوعی اندیشه بر مبنای جهان بینی معنوی و متفاوت با علم و تکنولوژی رایج بر پایه جهان بینی مادی را از مغرب تاریخ حقیقت و مشرق جغرافیای گیتی به طلوع کشاند و انسان، جهان، جامعه و تاریخ را با روی و نمای الهی موضوع دانش و اندیشه قرارداد.

نتیجه این رویکرد، تأمین مبانی تازه ای برای دانش و فضاها و شیوه های دست نخورده ای برای اندیشه بوده است.

این انقلاب، تنها تحولی در جامعه و نظام سیاسی و اقتصادی آن نیست، بلکه دگرگونی در کیفیت حیات فردی و اجتماعی، اصلی ترین شاخص انقلاب اسلامی است که با گشودن راه هدایت و ایجاد معرفت متعالی و راستین، صورت واقعی خود را می یابد و می بالدد.

انقلاب اسلامی، نمودار اندیشه ای معنوی است که می تواند رنجوری و ناتوانی علم و تکنولوژی را در ساختن تمدن طلایی برای انسان ها برطرف کند. اندیشه معنوی و پاکی که از طریق انقلاب اسلامی در قلب تاریخ رسوخ کرده، منظری سبز و روشن به روی حیات بشری گشود که در چشم انداز آن، ظهور منجی جهانی، بسیار نزدیک به چشم می آید.

بنابراین، پرسش از چیستی و چرایی دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو اندیشه، دو پیامد ارجمند به دنبال دارد؛ ۱- پاسخ به چیستی آن، گستره اثرگذاری انقلاب اسلامی در راستای اهداف اصیل و اولیه آن را تبیین می کند. ۲- پاسخ به چرایی، راه شکوفایی و توسعه ثمربرداری در این عرصه را فراخ می سازد.

زلزله ای در اندیشه های جهانی انقلاب اسلامی، کاستی و ناراستی بسیاری از نظریات را در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی آشکار کرد که در ادامه، به مواردی از آنها، فهرست وار اشاره می شود.

۱- نظریه های مارکسیستی درباره انقلاب، با انقلاب اسلامی ایران زیر سؤال رفت؛ زیرا تاریخچه محتومی که در این نظریات برای انقلاب ها نوشته شده بود، در انقلاب اسلامی رخ نداد. مارکسیسم، سیر جوامع را از کشاورزی به سرمایه داری و پس از انقلاب، رسیدن به جامعه کمونیستی می دانست. انقلاب اسلامی ایران برخلاف این سیر، از بافت سنتی به انقلاب غیرکمونیستی رسید. (۲) همچنین، اعتقاد به این که دین ایون ملت هاست، با خروش دینی مردم انقلابی ایران، تهی و تباه شد. حتی نظریه پردازان مارکسیسم ساختارگرا نظیر «تدااسکاچ پل» در کتاب دولت تحصیل دار و اسلام شیعی که می کوشیدند نظریه مارکسیستی انقلاب را بازسازی و اصلاح کنند، در برابر انقلاب ایران به ضعف تحلیل های خود اعتراف کردند. «تدا اسکاچ پل»، از متفکران مارکسیسم ساختارگرا معتقد بود، یک انقلاب سیاسی، با تغییر حکومت، بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی صورت می گیرد و در این انقلاب، منازعات طبقاتی نقشی ندارد. اما یک انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال سریع و اساسی دولت و ساختارهای طبقاتی یک جامعه که اغتشاشات طبقاتی از پایین جامعه همراهی و در بخشی حمل می شود. چنین انقلابی در شرایط ویژه اجتماعی ساختاری و بین المللی صورت می پذیرد. مثلاً فشار سیاسی بین المللی یا شکست دولت در یک جنگ نظامی. (۳) اما انقلاب ایران نشان داد که بدون مبنا بودن موضوع طبقات و کشمکش و تضاد میان آنها، بلکه با قدرت فکر و فرهنگ اسلام شیعی و بدون

شرایط خاص بین المللی، به پیروزی رسید؛ انقلاب سیاسی اجتماعی که هم روابط قدرت را دگرگون کرد و هم در ساختار اجتماعی و نهادهای آن تحولی ژرف پدید آورد و حتی بر معادلات و روابط بین المللی نیز آثار قابل توجهی برجای نهاد.

۲- نظریه پردازانی که انقلاب ها را براساس سیستم اقتصاد جهانی تحلیل می کردند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عناصری چون: فرهنگ، ایدئولوژی، رهبری و دین را بیشتر مورد توجه قرار دادند. (۴)

۳- تئوری ولایت فقیه، با انقلاب اسلامی وارد اندیشه های سیاسی شد و پژوهش های گسترده ای را در این وادی رقم زد، تا جایی که امروز، مطالعه نظریه های دولت، بدون شناخت نظریه ولایت فقیه ناقص می ماند.

۴- تأثیر بسزای انقلاب اسلامی بر نظریه های جامعه شناسی دین، اهمیت فراوانی دارد. بیش از این دین را در فرایند افسون زدایی از جامعه و تحقق عقلانیت و بلوغ عقلی در سیر تکامل خطی جامعه، روبه کاهش می دیدند (۵). ولی انقلاب اسلامی، تکاپویی کامیاب بر خلاف همه این اندیشه های خام بود.

۵- رواج اندیشه های اسلام خواهی در بین مسلمین، تقویت و تعمیق بیداری اسلامی، پدید آمدن جنبش های اسلامی در کشورهای عربی و خاورمیانه (۶) و رشد اسلام گرایی در غرب و شرق دور، همه و همه، از کارکردها و رهاوردهای انقلاب اسلامی

در حوزه اندیشه و تحولاتی است که در تفکرات مردمان و فراتر از جغرافیای سیاسی این انقلاب رخ داده است.

هزار ساغر آب حیات پس از انقلاب اسلامی، با کانونی شدن اسلام در داخل کشور، به طور طبیعی و منطقی، توجه و تفکر اندیشمندان به اسلام افزایش یافت و بحث های علمی در این باره، امروز ما را به جایی رسانده است که از جنبش نرم افزاری و نظریه پردازی براساس مبانی دینی در حوزه علوم انسانی سخن می گوئیم و هسته های نوپزوه و پویا به منظور تولید دانش، به تکاپو افتاده اند و این اساسی ترین مرحله تمدن سازی و تحول تاریخ است که انقلاب اسلامی آن را پدید آورده و می رود تا بر تمامی اندیشه کفرآمیز و دانش های برآمده از آن خط بطلان بکشد.

انقلاب اسلامی، واقعه ای بود که علوم انسانی را در دو بعد اثباتی و آرمانی به جهش رساند و روح تازه ای در آنها دمید. پس از انقلاب اسلامی می توان از حکومت اسلامی و سازوکارها و نهادها و روابط قدرت در آن سخن گفت و حکومت آرمانی اسلام را نیز به عنوان آرزویی دست یافتنی ترسیم کرد.

پس از انقلاب، می توان جامعه ای را مطالعه کرد که به طور نسبی ساختارها و روابط اجتماعی آن بر مبانی دین استوار است و کارکرد ساختارها و عناصر مختلف اجتماعی، با انگیزه های معنوی و در چارچوب احکام اسلام تحقق می یابد. جامعه ای که مردم

سالاری در آن تعریفی دینی پیدا می کند و همه چیز برپایه اراده مردمی است که با ایمان و عمل دینی زندگی می کنند.

همچنین وضعیت آرمانی چنین جامعه ای با جامعه آرمانی کمونیستی و لیبرالیستی کاملاً متفاوت است.

روانشناسی، هنر، اقتصاد، مدیریت و سایر حوزه های مطالعات انسانی با ارزش های جدیدی که انقلاب اسلامی طرح کرده، تفسیری تازه یافته و فضایی بکر برای اندیشه و تفکر به وجود آورد که لبریز از میوه های نچیده است.

نظریه های جدید در فلسفه هنر که از سوی اندیشمندان مسلمان، بویژه شهید آوینی طرح شد (۷)، تلاش هایی که برای طراحی نظام اقتصاد اسلامی در سطح خرد و کلان صورت می گیرد، طرح نظریات و پژوهش های نوین در روانشناسی که به جای مطالعه رفتار و ذهن یک نوع حیوان مترقی به پژوهش در ژرفای هستی انسانی که مقام خلیفه الهی دارد (۸)، کتاب هایی که در حوزه مدیریت اسلامی نگاشته شده (۹) همه و همه در پرتو تحولی مبارک به وجود آمده، که ارزش های الهی و دینی را به جای ارزش های موهوم مادی نشانند.

آزادی از بن بست حیرت انقلاب اسلامی، افزون بر پرتوافشانی در علوم با رساندن امواج اندیشه های معنوی به کویر خشکیده فلسفه و علم معاصر، آثار بسزایی برجای نهاد. در چند قرن گذشته، این پندار به وجود آمده بود که اندیشیدن و پژوهش، با

مبانی مادی و روش تجربی، دانش را بی طرف و جهانی به پیش می برد. (۱۰) اما نظریات جدید در فلسفه علم نشان می دهد که تجربه ها و استنتاجات برآمده از آنها، به ناچار تابع مبانی و ارزش هایی است که زیرساخت فرضیه های علمی را تشکیل می دهند. (۱۱)

در این بحران، دوراه فراروی علم است؛ یا این که بپذیرد همه ارزش ها شخصی و ناپایدار است و ملاکی برای برتر نهادن ارزش های گوناگون وجود ندارد، در نتیجه علم به سوی نوعی هرج و مرج پیش می رود، چنان که برخی از نظریات جدید فلسفه علم در غرب به این سو رفت. (۱۲) راه دوم این که ملاکی برای شناخت ارزش های برتر و حتی صحت و سقم آنها بیاییم که ارزش های درست و نادرست را معرفی کند و این تنها راه سامان یافتن علم است.

انقلاب اسلامی ایران در روزگاری که بحران بازنمایی و کاشفیت، علوم جدید را گرفتار کرده بود، با طرح ارزش های معنوی به گونه ای جذاب و تأثیرگذار، مبانی و منظرهای نوینی را به اندیشمندان معرفی کرد که با آن می توانند علم راستین را از علوم پندارین جدا ساخته و علم حقیقی را به پیش برند. (۱۳)

بدین سان، آثار انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه، به پرسش های بی جواب امروز، پاسخ شایسته ای داد؛ پرسش هایی که حتی متن سؤال، هنوز برای اندیشمندان به خوبی معلوم نشده بود و تنها حیرت آن ظهور کرده بود.

پرسش از رابطه علم و ایمان و معنویت، انواع علل غیرمادی در توضیح پدیده های طبیعی و اجتماعی، کارکردهای غیرمادی علم و... است. امروزه برای پاسخ بسیاری از مجهولات، پژوهش هایی در قلمروهای فراطبیعی انجام شده است. (۱۴) از فیزیک تا روانشناسی به اندیشه های عرفانی و فراطبیعی متمایل گشته است و سرانجام، آموزه های ناب دین حق گره گشا خواهد بود.

هم از این رو حضرت امام خمینی رحمه الله در نامه ای که به سران ابر قدرت روبه زوال شرق نوشتند، آنان را دعوت می کنند تا نخبگانشان را به قم فرستاده و آثار بزرگان حکمت و عرفان اسلامی را مطالعه کنند.

تداوم و کمال شکوفایی اندیشه ثمرات و اثرات انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه و تفکر، مرهون درخشندگی ارزش های معنوی و دینی است. دگرگونی ارزش ها موجب شد تا در سطح ملی و جهانی (۱۵)، اندیشه ها تحول یابد و منور شود و از این انفجار نور، در هر نقطه ای از جهان پرتوی افتد.

اگر این ارزش ها به درستی کشف و تبیین و ترویج شده و رابطه منطقی آنها با علوم و شیوه های اندیشیدن براساس آنها مهندسی شود، تولید دانش و اندیشه به عنوان نرم افزار تمدن اسلامی، راه رشد و بالندگی را خواهد پیمود و دیگر اندیشه های پراکنده معنوی که در پرتو انقلاب به وجود آمده، مورد تهدید هضم و افول در نظریات رایج و مشهور قرار نمی گیرد.

پس از انقلاب، اندیشه های معنوی به اثر درخشش ارزش های معنوی به وجود آمد، اما اگر این ارزش ها کمرنگ شود، این اندیشه ها نیز رنگ باخته و از معنا تهی می شود. به این جهت، حفظ و رشد و نهادینه شدن اندیشه و دانش معنوی باید با ارزش های معنوی پشتیبانی شود و با آن ربط مستقیم دارد. برای این که انقلاب اسلامی به هدف عالی خود یعنی تمدن اسلامی برسد، جنبش نرم افزاری و توسعه اندیشه معنوی در گستره دانش بشری لازم است. این جنبش فکری، همانطور که در روش بزرگانی همانند شهید مطهری رحمه الله بوده و اصل انقلاب را تحقق بخشیده، در تحقق اهداف انقلاب نیز ضروری است و تلاش و توفیق در این راه، گذر از مراحل زیر را می طلبد:

۱- شناخت اندیشه های مرجع و مرجع های اندیشه در حوزه تفکر معنوی: به جای این که ذهن خود را در نظریات دانشمندان غیردینی که با مبانی مادی اندیشه، نظراتی را پدید آورده اند، غرق سازیم، می توانیم به غواصی در آثار و آرای بزرگانی چون، علامه جعفری رحمه الله، علامه طباطبایی رحمه الله، حضرت امام رحمه الله و... پرداخته و به تبیین و تحلیل و نقد آنها پردازیم و خود را با اندیشه هایی که سرچشمه معنوی دارند درگیر کنیم و پژوهش در شاخه های مختلف علوم انسانی، فلسفه و هنر و ادبیات را براساس این نظریه ها سامان دهیم.

۲- آشنایی با اندیشه های رایج در جهان علمی امروز: بی تردید اگر بخواهیم نظریه ای دهیم که جهانی باشد، باید در راستای حل مشکلات علمی و به زبان رایج علمی بیان شود. همین امر، ضرورت آشنایی با محصولات تفکر بشری را بدیهی می سازد.

۳- کشف نیازهای فکری و پیرایش و شفاف کردن پرسش های بی پاسخ علمی: طرح پرسش، نطفه تولید اندیشه است و این پرسش ها باید چیزی باشد که بیشتر دانشمندان با آن درگیر هستند؛ نه پرسش های شخصی.

۴- رجوع به اندیشه های مرجع معنوی و یافتن پاسخ های مناسب و تولید نظریه برای گشودن گره های علمی: شهید مطهری رحمه الله پس از شناخت مسئله و شفاف کردن آن با رجوع به آرای معنوی بزرگانی چون علامه طباطبایی و ملاصدرا و... پاسخ مناسب را از لابه لای تحلیل و تبیین و نقد و تعدیل و تکمیل آن نظریات بیرون می کشید.

۵- طراحی و تولید نظریات معنوی به زبان علمی که مناسب با فضای حوزه های گوناگون علمی بوده و با حوزه مربوط، ارتباط مؤثری برقرار کند.

بدین سان، ارزش های معنوی از طریق اندیشه های معنوی در شهر آشفته دانش بشری راه یافته و با رشد و کمال علمی و معنوی انسان، بنای بی بنیاد علوم سکولار فرو ریخته و دانش و اندیشه، رنگ و بوی معنوی می گیرد و با دگرگونی دانش و نگرش

انسان، حیات فردی و جمعی تحول یافته و انقلاب اسلامی به کمال تحقق و تمدن سازی می رسد.

نتیجه این که، انقلاب اسلامی و دانش و اندیشه مبتنی بر ارزش های معنوی و دینی دست در دست، هم یکدیگر را بالا می کشند.

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

پی نوشت ها:

- ۱- محقق و نویسنده.
- ۲- عبدالوهاب فراتی، ابعاد ناشناخته انقلاب، نشر دبیرخانه مجمع گروه های معارف اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۷.
- ۳- تدا اسکاچ پل، دولتها و انقلاب های اجتماعی، ترجمه سیدمجید روئین تن، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول.
- ۴- عبدالوهاب فراتی، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۲.
- ۵- مقصود فراستخواه، دین و جامعه، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۱۵۷-۱۳۱.
- ۶- منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها، دفتر نشر و پخش معارف، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۵۵-۲۲۵.
- ۷- گردآوری از گروه مطالعاتی شهید آوینی، مبانی نظری هنر شهید آوینی، انتشارات نبوی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۸- ر.ک: حمیدرضا مظاهری سیف، خودشناسی عرفانی، انتشارات نشاط، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۹- محمد ری شهری، مدیریت اسلامی.

۱۰- حمید پارسانیا، علم و فلسفه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول،

۱۳۷۷، بخش اول فصل دوم.

۱۱- آلن چالمرز، چیستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ

اول، ۱۳۷۴، فصل سوم.

۱۲- ر.ک: پاولی فایرابند، بر ضد روش، ترجمه مهدی قوام صفری، انتشارات فکر روز،

چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۴۷-۳۹.

۱۳- حمید پارسانیا، پیشین، بخش دوم.

۱۴- لیاواتسن، فوق طبیعت، ترجمه شهریار بحرانی و احمد ارزمند، انتشارات امیرکبیر،

چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۱۵- ثریا مکنون، نقش انقلاب اسلامی در تحول ارزش ها، جرعه جاری به کوشش

علی ذو علم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

منابع

- شیعه در اسلام اثر علامه سید محمد حسین طباطبائی

- کتاب عصر امام خمینی

www.kandooch.com

www.kandooch.com

www.kandooch.com

www.kandooch.com

www.kandooch.com